

تکافل اجتماعی راستین و بانکداری قرض الحسنه

بیژن بیدآباد^۱ روح الله محمدی^۲

چکیده:

در این مقاله، ضمن بررسی ضرورت تکافل اجتماعی بر اساس آیات و روایات، نقش تکافل در تقویت اجتماعی و رشد اقتصادی را بررسی نموده و در ادامه، مدل‌های ارائه شده جهت انواع تامین مالی اسلامی با تکیه بر تکافل بررسی خواهد شد و در نهایت الگوی تکافل اجتماعی راستین که زیرمجموعه‌ای از بانکداری راستین است ارائه می‌شود. تکافل اجتماعی شامل دو بخش تکافل عام مبتنی بر وظیفه افراد جامعه در رفع نیازهای یکدیگر و ضمان اعاله مبتنی بر وظیفه حکومت در تامین حداقل ملزومات معاش افراد جامعه می‌شود که باید به طریقی تامین مالی گردد. ساز و کارهای تکافل اجتماعی را می‌توان در راستای وظایف بانک‌های قرض الحسنه تعریف نمود. برای اینکه این رویه حسنه بتواند ساز و کار عملیاتی و شیوه‌های تامین منابع خودکار داشته باشد در این مقاله به راه‌حلهای عملیاتی تکافل اجتماعی در چارچوب بانک قرض الحسنه پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: تکافل اجتماعی، تامین مالی، قرض الحسنه، بانکداری راستین

مقدمه:

تکافل اجتماعی بر پایه دو اصل اتحاد و اشتراک ریسک استوار است. این شیوه اسلامی حفاظت مالی که شبیه به بیمه‌های مرسوم است از حدود ۳۰ سال پیش رونق بسیاری در کشورهای اسلامی و سایر کشورها داشته است. این شیوه در حال حاضر جواترین و پویاترین بازار بیمه را در جهان به خود اختصاص داده است که مبتنی بر مفاهیم عمیق اخلاقی دینی دارد. معانی و تعاریف متعددی از تکافل شده که از لحاظ مفهوم اصلی بسیار مشابه هستند. مفهوم تکافلی که در حال حاضر در جهان اسلام بیشتر به آن توجه می‌شود بعد بیمه دارد ولی آنچه که مد نظر این مقاله است بیشتر ابعاد کفالت را مد نظر قرار می‌دهد.

ناصر علوان تکافل اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: تکافل اجتماعی آن است که افراد جامعه همدیگر را ضمانت و پشتیبانی نمایند، چه به صورت فردی و یا به صورت جمعی، به وسیله راهبردهای ایجابی (مثل سرپرستی یتیم) یا سلبی (مثل تحریم ربا) به انگیزه شعور و وجدان باطنی که از عمق و مبنای اعتقاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد انسانی در پناه کفالت و حمایت جامعه زندگی کند و جامعه به کمک فرد بیاید، از آن حیث که همه، همدیگر را کمک می‌کنند تا جامعه برتری تشکیل شده و ضرر و آسیب افراد دفع گردد (علوان، ۱۴۰۹). تکافل یک امر دو طرفه است؛ یعنی

^۱ <http://www.bidabad.com/>

^۲ bijan@bidabad.com

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، مشاور ارشد بانکداری اسلامی، بانک ملی ایران

^۲ کارشناس ارشد سیستم‌های اقتصادی اجتماعی

مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند؛ تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت مرتفع ساختن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی (زاهدی اصل، ۱۳۷۱). نکته بسیار مهم این است که تکافل اجتماعی، که از مفاهیم دینی به راحتی قابل استنباط است، صرفاً برای برآورده ساختن سه نیاز (مسکن، غذا و پوشاک) نیست، بلکه شامل تمام نیازهای مادی و معنوی انسان می‌گردد (السباعی، ۱۴۱۹).

تکافل اجتماعی به طور کلی به دو بخش عمده تکافل عام و ضمان اعاله تقسیم می‌شود. «تکافل عام» به معنی مسئولیت متقابل تمام افراد جامعه نسبت به تأمین نیازهای حیاتی همدیگر است و «ضمان اعاله» اشاره به تکلیف دولت در تأمین معیشت افراد جامعه از طریق ایجاد امکانات برای فعالیت‌های اقتصادی یا حمایت مستقیم در صورت لزوم دارد.

قرض الحسنه

بطور کلی آنچه که از قرآن کریم درباره قرض الحسنه استنباط می‌شود متفاوت از مفهوم مصطلح امروزی است. یکی از روش‌هایی که در عملیات بانکی بدون ربا به عنوان روش اعطای تسهیلات در نظر گرفته شده قرض الحسنه است. از لحاظ آیین‌نامه عملیات بانکداری بدون ربا «قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن قرض‌دهنده مقدار معینی از مال خود را به قرض‌گیرنده تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل و یا در صورت امکان قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید». قرض در لغت به بریدن، قطع کردن یا قیچی کردن معنی شده و در اصطلاح فقهی آن قطع بخشی از مایملک است. فقها قرض الحسنه را در قبال برگشت اصل مال مصطلح می‌دانند در صورتی که این تعریف، همان تعریف قرض در قانون مدنی است.^۳ متأسفانه آنقدر وام با اخذ مازاد در جامعه مهم و مطرح است که قرض بدون ربا قرض الحسنه نام گرفته است.

از بررسی آیات قرآن اینگونه استنباط می‌شود که قرض الحسنه پرداخت بلاعوض و بدون برگشت است. به عبارت دیگر قرض الحسنه در قرآن همان موضوعات و حیثه تکافل را می‌پوشاند تا قرض بدون بهره. در آیات متعددی در قرآن کریم قرض الحسنه ذکر شده است که همه این آیات پشت سر آیتی هستند که در مورد انفاق، صدقه یا زکات یا قتال تکلیف می‌کنند و به صحت می‌توان این تفسیر را نمود که قرض الحسنه همان پرداخت‌های بلاعوض از مال یا جان می‌باشد که به معنی لغوی قرض مال یا جان (بریدن و قطع کردن مال از خود) با صرف نظر کردن از بدن خود در قتال در راه خدا است که حسنه آن در آن مندمج است؛ می‌باشد. در آیات ۲۴۴-۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است.^۴ در آیه ۱۲ سوره مائده نیز می‌فرماید: خداوند گفت اگر نماز پیا دارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و یاری آنها نمائید و قرض‌های حسنه به خداوند قرض دهید محققاً من با شما خواهم بود.^۵ در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره حدید می‌فرماید: شما را چه می‌شود که در راه خداوند انفاق نمی‌کنید (در حالی که) میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است و کسی که از شما قبل از فتح انفاق و قتال کرد مساوی نیست، آنها از

^۳ به استناد ماده ۶۴۸ قانون مدنی، قرض، عقدی است که موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد.

^۴ «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مِّنْ ذَٰلِذِ الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يُسِطُّ».

^۵ «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ اقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا».

درجه برتری نسبت به کسانی که بعداً انفاق و قتال کردند برخوردارند و خداوند به هر دوی آنها نیکویی وعده کرده و خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. کیست به خداوند قرضی حسنه دهد پس بر او به چند برابر اضافه خواهد شد و برای او پاداشی بزرگ خواهد بود.^۶ در آیه ۱۸ همین سوره می‌فرماید: همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنها که به خداوند قرض نیکویی قرض می‌دهند دو برابر برای آنها خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی است.^۷ در آیه ۲۰ سوره مزمل می‌فرماید: و نماز بپا دارید و زکات دهید و قرض دهید به خدا قرضی حسنه و آنچه خوبی نزد خدا کنید بیشتر نسبت به خودتان می‌کنید و آن خوبی و پاداش برتری است.^۸

به هر حال با این وصف کلمه قرض الحسنه را از لحاظ قرآنی می‌توان به معنای ایثار مال و جان تفسیر نمود و به نظر نمی‌رسد که خیلی منوط به مسمای وام باشد. شاید استعمال کلمه «وام نیک» در عبارات کمتر آسیب تشریحی به فقه وارد آورد.

تکافل اجتماعی، قرض الحسنه و تأمین اجتماعی

تخصیص و تجهیز منابع در تکافل اجتماعی، قرض الحسنه (رایج) و تأمین اجتماعی متفاوت است. آیین‌نامه‌های قانون بانکداری بدون ربا نیز در باب اعطای وام‌های قرض الحسنه به جزئیات این موضوع را ملحوظ می‌دارد که پرداخت وام قرض الحسنه برای رفع احتیاجات افراد شامل هزینه‌های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها می‌شود.^۹ حتی در این چارچوب (قانون عملیات بانکی بدون ربا) مفهوم قرض الحسنه به مفاهیم مد نظر تکافل بیشتر نزدیک است تا وام.

در مقایسه با قرض الحسنه رایج (وام نیک)، در تکافل کلیه منابع و خدمات مجانی و بلاعوض عرضه می‌گردد و نیازی به تضمین ندارد. در قرض الحسنه منابع باید به میزان قرض داده شده بازگردد لذا احتیاج به تضمین دارد. در تأمین اجتماعی خود فرد برای دریافت منابع در آتیه اقدام به سپرده‌گذاری می‌کند و به عبارتی تأمین کننده و مصرف کننده منابع خود فرد است.

تکافل اجتماعی از دیدگاه اسلام

۱- در مورد وظیفه تأمین نیازهای مالی افراد می‌توان به استناد آیه ۵۸ سوره توبه که می‌فرماید: بعضی از آنها در تقسیم صدقات بر تو عیب می‌گیرند^{۱۰}، پرداخت صدقات و تأمین نیازهای مالی افراد را از وظایف حکومت اسلامی دانست. آیات متعددی که در مورد قرض الحسنه آمده است در اصل وجوب اباحه و استحباب وظیفه تأمین مالی

^۶ - «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَاكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكَأَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ*» مِنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ.»

^۷ - «إِنَّ الْمُسْتَدْفِينَ وَ الْمُصَدَّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ.»

^۸ - «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا.»

^۹ - بند ج ماده ۳ دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانک‌ها.

^{۱۰} - «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمُزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ.»

نیازمندان به قرض دهندگان حسنه رجوع شده است.^{۱۱} (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۲- در مورد وظیفه تأمین مسکن حضرت امیر در فرمان به مالک می‌فرماید:^{۱۲} «به تو و همه فرمانداران امر می‌کنم که قبل از اقدام در استفاده مالیات کشور به عمران و آبادی پردازید. نخست زمین را اصلاح و آماده کنید، آنگاه به کشاورزی و درو پردازید. نخست خانه بسازید سپس در آنجا نشیمن گیرید. دوست می‌دارم که حوزه حکومت شما معمور و آباد باشد، کلبه‌های فقرا و کوخ‌های دهگانان از فروغ توانگری و نشاط روشن باشد».

۳- در باب تأمین نیاز به ازدواج می‌توان به شرح حکایت جوان مستمنی که خدمت حضرت امیر آوردند، اشاره نمود^{۱۳} که حضرت از او بازخواست کردند، عرض کرد کسی به من زن نمی‌دهد و شغلی هم ندارم. حضرت رو به حاضرین فرمودند: چه شخص حاضر است به این جوان زن دهد. فردی اعلام آمادگی نمود و باز فرمودند: چه کس حاضر است به او شغل دهد و دیگری ابراز تمایل کرد. حضرت پس از مختصر تأدیبی برای انجام مراسم ازدواج و اشتغال روانه‌اش فرمودند (بیدآباد، ۱۳۸۹).

۴- حکایت فوق مؤید وظیفه حکومت اسلام بر تأمین شغل آحاد افراد جامعه نیز می‌تواند تلقی گردد.

۵- در ارتباط با تأمین نیاز به تربیت و تعلیم و آموزش و مشاوره و راهنمایی می‌توان به فرمان حضرتش به مالک اشتر رجوع نمود: «فرماندار همچون رئیس خانواده‌ای است که عیوب اعضای خانواده را باید برای خود نقیصه و عیب بداند»^{۱۴}.

۶- در ارتباط با تأمین نیاز به بهداشت و درمان می‌توان تمام مؤیدات ذکر شده در این بخش را به نحوی تأویل بر وجوب این تأمین از طرف حکومت اسلامی دانست. به هر حال همانطور که هو الشافی است. خلیفه خدا نیز بر نمط اوست. از طرفی قاعده التزامات و وعده الزام آور نیز این امر را تأیید می‌نماید.^{۱۵}

۷- تأمین نیاز به پرستاری و مراقبت از کلیه افراد مستمند براساس فرمان به مالک اشتر بر عهده حاکم اسلام است. «اما دل شکستگان تهیدست و مستمندان تیره بخت - همان‌هایی که پسر ابوطالب پیوسته به یاد ایشان است و همواره تیمار آنان می‌برد و غم آنان می‌خورد - آنها را خداوند آنها را خداوند، به دست تو، ای فرماندار سپرده و در حمایت تو، ای صاحب تاج و تخت قرار داده است. مبدا که از پرستش آن دل‌های دردمند غفلت کنی. مبدا که از تعمیر عرش خدا بی نصیب و محروم مانی»^{۱۶}.

۸- در تأمین نیاز به امداد در زمان اضطراب و مواجهه با خطر، حضرتش در فرمان به مالک می‌فرماید: «اگر در نتیجه حادثه‌ای از حوادث روزگار، زندگی بر کشاورزان مصر تباہ شود، مثلاً باران از آسمان نبارد یا شط نیل از طغیان

۱۱ - در آیات ۲۴۴-۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست. (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است. «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَنْ ذَٰلِذِی یَقْرُضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فِیضًا عَفْوَ لَهُ أضعافًا کثیره وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْسُطُ»

۱۲ - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۷.

۱۳ - الکافی، ۷، ۲۶۵، باب النوادر ... ص ۲۶۰.

۱۴ - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۷.

۱۵ - این قاعده در فقه مالکی زیاد مورد استناد قرار می‌گیرد که اگر کسی وعده‌ای داد بایست بر انجام آن قیام کند. به هر حال عقل این قاعده می‌پذیرد.

۱۶ - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۳۶.

سودمندش فرو نشیند، کشتزاران خشک و بی آب مانده، برزگران تهیدست و ناچیز شوند، وظیفه فرمانداران است که به امرای خراج و کارمندان امور مالی درباره مصریان سفارش کنند و تا حدودی که نخست به مصلحت ملت و در درجه دوم به صلاح دولت می گردد از مالیات توده کسر و به دامداران تخفیف بخشد. تو همی پنداری که این تخفیف خزانه مصر را تهی خواهد ساخت و بر دولت ما زیان خواهد رساند ولی ما به مصالح عالی کشور اسلام از همگان دقیقتر و آشناتریم. باید تکرار کنم که: دولت ما با تمام وسایلی که در دست دارد، مصمم است به آبادی مملکت و آسایش رعیت پردازد و بیان آشکارترش آن است که امیرالمؤمنین با تمام قوای خود وامدار و گروگان رفاه و آسایش ملت اسلام است».^{۱۷} (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۹- وظیفه تأمین نیاز طعام و خوراک به استناد آیه ۱۸۴ سوره بقره^{۱۸}: «بر کسانی که طاقت آن را ندارند با طعام دادن به مسکین فدیة کنند». به عبارت دیگر مالیاتی را که مستقیماً باید به بیت المال پردازند می توانند در اطعام مساکین صرف نمایند. برخی کفارات را نیز اطعام مساکین تعیین فرموده‌اند مثل «أَوْكَفَّارَةَ طَعَامِ مَسَاكِينٍ»^{۱۹}. (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۱۰- در باب وظیفه حکومت اسلام در قبال تأمین حق اعتراض و فریاد مظلوم و دفاع در مقابل متجاوز باید گفت که این وظیفه در قالب تأمین حق ناشی از آیه شریفه «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا»^{۲۰} می‌باشد. این اجازه و رخصت تأمین نیازی است که اگر حکومت اسلام از پی برآوردن آن بر نیاید هر فردی باید به تأمین آن پردازد. (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۱۱- در باب وظیفه تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق در فرمان مالک اشتر می‌فرماید: «ای پسر حارث خدای خود را غافل مپندار که همیشه در کمین رستگاران است، فریاد بندگان را به دقت گوش کند و کوچکترین مظلومه را از بزرگترین کسان صرف نظر نفرماید. میدانی که محبوب‌ترین صفت‌ها برای زمامدار در همه حال چیست؟ آن که همواره در راه زندگی، میانه‌رو و متوسط باشد و عدلش مانند ابر رحمت سراسر کشور را در سایه گیرد و با جدیت تمام بکوشد که زیردستانش را راضی و خشنود سازد».^{۲۱} بلکه وظیفه حکومت اسلامی تأمین نیاز به استعانت در احقاق حق به موجب آیه شریفه زیر است که فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از میان خودتان را، پس اگر در چیزی نزاع داشتید به خدا و پیغمبر بازگردید.^{۲۲} (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۱۲- وظیفه حکومت اسلامی در تأمین ولی برای صغیر از آیه شریفه: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»^{۲۳} به وضوح پیدا است همچنین روایت منقول از رسول اکرم ص: من از هر مسلمانی اولی به نفس اویم. کسی که مالی به ارث نهاد برای ورثه‌اش

^{۱۷} - فرمان به مالک اشتر، صفحات ۳۹-۴۰.

^{۱۸} - «أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

^{۱۹} - سوره مانده، آیه ۹۵، یا كفارة آن اطعام مساکین است.

^{۲۰} - سوره حج، آیه ۳۹. به کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده‌اند و مورد ستم قرار گرفته‌اند رخصت داده شد.

^{۲۱} - فرمان مالک اشتر، صفحه ۱۶.

^{۲۲} - سوره نساء، آیه ۵۹ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ».

^{۲۳} - سوره الضحی، آیه ۹. خطاب به رسول اکرم می‌فرماید: پس یتیم را مران.

خواهد بود و اگر دین یا فرزند صغیری باقی گذاشت من عهده‌دار آن هستم^{۲۴}.

۱۳- در باب وظیفه تأمین مستمری بازنشستگی و از کارافتادگی می‌توان به وظیفه وفاداری و رحمانیت و شفقت دینی استناد نمود، همچنین خبری از حضرت امیرالمؤمنین ع مؤید این است: پیرمردی سائل به کف عبور می‌کرد. حضرت فرمود او کیست؟ گفتند ای امیر مؤمنان نصرانی است. پس امیرالمؤمنین فرمودند تا زمانی که جوان بود از او کار کشیدید و چون عاجز گردید او را مانع شدید. از بیت‌المال به او پرداخت کنید.^{۲۵}

۱۴- در باب تأمین نیاز به سرپرستی افراد لازم الحمايه حضرت امیرالمؤمنین می‌فرمایند: «مبادا یکی از شما خویشاوند خویش را محتاج و نیازمند بیند و از پای نشیند»^{۲۶}. مسلم این وظیفه عیناً به حکومت اسلامی نیز برمی‌گردد. در فرمان مالک اشتر می‌فرمایند: «ای مالک! مهربان باش و رعیت را با چشمی پرعاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر»^{۲۷} (بیدآباد، ۱۳۸۹)

۱۵- در باب تأمین نیاز به کارگشایی حضرتش به مالک فرمود: «گره از کار رعیت بگشا»^{۲۸}.

۱۶- در باب وظیفه مهیا نمودن شرایط مناسب برای ادای رسوم و سنن پسندیده حضرت امیر فرمود: «ای مالک از آن قوانین و آدابی که گذشتگان اسلام از خود باز گذاشته‌اند سرباز مزین و رعیت را هرگز در پیروی و تقلید از عادات پسندیده باز مدار»^{۲۹}.

۱۷- در باب تأمین نیاز به پوشش و البسه فقط به این حدیث اشاره می‌شود که *أَمَّا الْكِسْوَةُ فَعَلَيْ كُلِّ إِنْسَانٍ*^{۳۰}.

راهبردهای حمایت و کفالت

برنامه‌های تأمین اجتماعی غالباً سه راهبرد اصلی زیر را در پیش می‌گیرند:

راهبردهای بیمه‌ای: این راهبردها مبتنی بر اشتغال افراد جامعه بوده و شامل بیمه‌های اجتماعی، صندوقهای احتیاط و مسئولیت کارفرما می‌شود. بر اساس این راهبرد نظام بیمه‌ای افرادی را تحت پوشش و کفالت قرار می‌دهد که شاغل هستند. نظام بیمه‌ای در این بخش غالباً شامل دو قسم بیمه‌های سنتی و بیمه‌های تکافل نیز می‌شود.

در بیمه‌های سنتی، بیمه راهکاری برای انتقال ریسک است که بر اساس آن یک نهاد یا سازمان عدم اطمینان و ابهام را با قطعیت و اطمینان معاوضه می‌کند. یک طرف موافقت می‌کند مبلغ معینی را به عنوان حق بیمه پردازد و در مقابل شرکت بیمه تعهد می‌کند هر گونه خسارتی که در محدوده شرایط بیمه نامه اتفاق افتاد را جبران کند. برخی از فقها به این

^{۲۴} - قرض‌وای، یوسف (۱۴۰۹ هـ ق.). الحلال و الحرام فی الاسلام، ص ۴۲۷، با تعلیق حسن محمدتقی جواهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱، صفحه ۴۲۵.

^{۲۵} - وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۵. شیخ مکثوف کبیر یسأل. فقال امیرالمؤمنین ما هذا؟ قالوا یا امیرالمؤمنین نصرانی. فقال امیرالمؤمنین استعملتموه حتی اذا کبر و عجز منعموه، انفقوا علیه من بیت‌المال.

^{۲۶} - خطبه ۲۴، نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ پانزدهم، تهران، ۱۳۷۸، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صفحه ۲۴. *أَلَا لَا يَعْدِلُنْ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرِي بِمَا الْخَصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا...*

^{۲۷} - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۳.

^{۲۸} - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۱۸.

^{۲۹} - فرمان به مالک اشتر، صفحه ۲۳.

^{۳۰} - اما پوشاک برای هر انسان واجب است. اصول کافی، جلد ۵، باب ما یجلی لقیم مال الیتیم، حدیث ۵، صفحه ۱۳۰.

ویژگی بیمه که در آن خسارت معینی با خسارت نامعینی معاوضه می‌شود اشکال گرفته‌اند و آنرا جزو مصادیق «غرر» دانسته‌اند که در فقه مجاز دانسته نمی‌شود. برای حل این مشکل، در بیمه‌های تکافل اصولاً هیچ انتقال ریسکی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذاران اتفاق نمی‌افتد. ریسک‌ها براساس ضمانت متقابل بین شرکت‌کنندگان تقسیم می‌شود. در این طرح، عامل (بیمه‌گر) وظیفه دارد حق بیمه شرکت‌کنندگان را جمع‌آوری کند و در صورت وقوع خسارت برای هر یک از اعضا غرامت مناسبی به او بپردازد.

در طول سالیان اخیر، شرکتهای متعددی بر پایه تکافل در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی تشکیل شده‌اند. این شرکتها بر اساس مدل‌های مختلف، قراردادهای تکافل با عامل یا بیمه‌گر بسته می‌شود. قرارداد تکافل مهم‌ترین تفاوت بیمه‌های تکافل و بیمه‌های سنتی است. نامعلوم بودن و نامشخص بودن جزو ماهیت ریسک است و در مبحث معاملات در فقه اسلام نیز اگر موضوع معامله نامشخص باشد، عقد باطل خواهد بود. بنابراین قرارداد تکافل نباید «قرارداد فروش» باشد. ابهام و نامعلوم بودن نباید در هیچ یک از اجزاء قرارداد تکافل وجود داشته باشد. این اجزاء شامل قیمت، روش، مبلغ و زمان پرداخت بین دو طرف معامله، شرایط قرارداد و موارد مشابه است. در حالت کلی مدل عملیاتی واحدی برای شرکتهای تکافل وجود ندارد به طوری که هر کشوری مدل پیشنهادی خود را دارد. اما مهم‌ترین مدل‌های ارائه شده در این زمینه شامل مدل‌های مضاربه، وکالت و مدل‌های ترکیبی است (Khan, 2008):

قرارداد مضاربه (تقسیم سود): این قرارداد بین تأمین‌کننده سرمایه و مدیریت سرمایه منعقد می‌شود که بر اساس آن سود حاصله از عملیات بر اساس نسبت معین یا درصد مشخصی بین دو طرف تقسیم می‌شود. در این قرارداد تأمین‌کننده سرمایه تمامی خسارت‌های احتمالی را متحمل می‌شود. در قرارداد تکافل بر اساس مدل مضاربه، شرکت‌کنندگان (بیمه‌گذاران) سرمایه را در اختیار عامل تکافل (بیمه‌گر) قرار می‌دهند. این مدل بیشتر در کشورهای جنوب شرق آسیا (مالزی، اندونزی، ...) مورد عمل قرار می‌گیرد.

قرارداد وکالت (نماینده‌گی): در این قرارداد یک طرف به طرف دیگر اجازه می‌دهد به نمایندگی از او فعالیت کند. این اعطای نمایندگی می‌تواند برای انجام دادن یک کار معین باشد و یا اینکه قرارداد نمایندگی به صورت کلی اعطا شود. وکیل یا نماینده می‌تواند برای انجام دادن فعالیت مورد نظر تقاضای مبالغ معینی بکند (این مبلغ در بیمه‌های سنتی حق بیمه نامیده می‌شود). این مدل برای بیشتر محصولات بیمه‌های تکافل مناسب است.

مدل ترکیبی: این مدل در واقع ترکیب بین مدل‌های وکالت و مضاربه است و عمدتاً در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بکار گرفته می‌شود.

راهبردهای حمایتی: این راهبردها بر اساس تابعیت یا اقامت شهروندان به صورت همگانی است و شامل مساعدت اجتماعی و خدمات اجتماعی نیز می‌شود. این نظام عمدتاً به اعتبارات دولتی (بودجه عمومی) وابسته است و دایره وسعت آن در برگیرنده اقشار آسیب‌پذیر می‌شود.

راهبردهای امدادی: این راهبردها، شامل کمک‌های دولتی، مردمی و گاه بین‌المللی در ارتباط با حوادث و بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی‌ها و هم‌چنین بلایای غیر طبیعی، همانند جنگ، انفجارهای شیمیایی و اسکان پناهندگان می‌باشد (پناهی، ۱۳۷۸).

مأموریت نهادهای حمایتی

نظام حمایتی علی القاعده باید افراد آسیب پذیر جامعه را که به دلایل مختلف قادر به تأمین معیشت خود و خانواده تحت پوشش نیستند، نیز تحت پوشش قرار می دهد. در حال حاضر در ایران، سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی بار اصلی حمایت از افراد آسیب پذیر جامعه را برعهده دارند. مسئولیت ها و وظایف این نهادها همانطور که در قسمت بعد به آن اشاره می شود، در راستای تجهیز و تخصیص منابع به منظور تکافل اجتماعی است.

مأموریت های سازمان بهزیستی در راستای تکافل اجتماعی:

- ۱- حمایت و توانبخشی نابینایان
- ۲- حمایت و توانبخشی ناشنویان
- ۳- حمایت و توانبخشی معلولان ذهنی
- ۴- حمایت و توانبخشی معلولان جسمی حرکتی و ضایعه نخاعی
- ۵- حمایت و توانبخشی سالمندان
- ۶- حمایت و توانبخشی بیماران روانی مزمن
- ۷- حمایت و توانبخشی کودکان عادی
- ۸- حمایت و توانبخشی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار
- ۹- حمایت و توانبخشی ایتام و کودکان بی سرپرست
- ۱۰- حمایت و توانبخشی کودکان خیابانی و بدسرپرست
- ۱۱- حمایت و توانبخشی دختران پناهجو (فراری)
- ۱۲- حمایت و توانبخشی زنان پناهجو
- ۱۳- حمایت و توانبخشی زنان آسیب دیده اجتماعی
- ۱۴- حمایت و توانبخشی معتادان
- ۱۵- حمایت و توانبخشی افراد در معرض آسیب های اجتماعی (زنان متقاضی طلاق، کودکان در معرض کودک آزاری، خانواده های نابسامان، افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند و ...)
- ۱۶- تجدید تربیت منحرفین اجتماعی و حمایت های اجتماعی از آنان
- ۱۷- کمک به تأمین جهیزیه مورد نیاز ایتام، معلولان و آسیب دیدگان نیازمند
- ۱۸- حمایت و نگهداری از معلولان غیرقابل توانبخشی
- ۱۹- تحت پوشش قراردادن نیازمندان از نظر بیمه خدمات درمانی
- ۲۰- پیشگیری از معلولیت های مختلف از طریق اجرای برنامه ها و طرحها مختلف در کشور
- ۲۱- پیشگیری از آسیب های اجتماعی (کودک آزاری، خودکشی، همسر آزاری، طلاق و ...) از طریق اورژانس های خدمات اجتماعی و مراکز پیشگیری از طلاق و کلینیک های مددکاری و خط تلفن ۱۲۳ اورژانس اجتماعی و مراکز مشاوره حضوری و صدای مشاور تلفن ۱۴۸
- ۲۲- پیشگیری از اعتیاد به روش اجتماع محور در محلات شهری و روستائی، واحدهای اداری، کارگری و آموزشی

۲۳- اجرای برنامه‌های کاهش آسیب و عوارض بهداشتی و اجتماعی و اعتیاد و پیشگیری از گسترش بیماری ایدز در کشور از طریق آموزش معنادار پرخطر و خانواده‌های آنها، توزیع وسایل پیشگیری کننده، راه اندازی DIC و کلینیک‌های متادون

۲۴- آموزش مهارت‌های زندگی (فردی و اجتماعی) در واحدهای آموزشی، کارگری و خانواده‌ها و زوجین به منظور مقاوم سازی افراد در برابر تهدیدات آسیب‌های اجتماعی

۲۵- تهیه و تدوین تعرفه‌های خدمات مشاوره‌ای و پیشگیرانه و نظارت بر حسن اجرای آنها در مراکز

۲۶- تربیت نیروهای انسانی تخصصی مورد نیاز جامعه در زمینه‌های توانبخشی، بهداشتی، درمانی، اجتماعی از طریق دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سازمان

۲۷- آموزش ویژه معلولان نظیر ناشنوایان، معلولان ذهنی، آموزش خط بریل و جهت‌یابی به نابینایان

۲۸- آموزش مهارت‌های زندگی ویژه معلولان

۲۹- ارزیابی و راهنمایی شغل معلولان جهت آموزش و اشتغال مناسب

۳۰- برنامه ریزی و تامین موجبات جلب و جذب مشارکتهای مردمی (نقدی و غیرنقدی)

۳۱- برنامه ریزی و تامین موجبات جلب و جذب خدمات داوطلبانه

۳۲- گسترش مؤسسات خیریه و غیردولتی، حمایت و توانمندسازی آنها (صدور موافقت اصولی، روانه فعالیت و نظارت)

۳۳- برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه معلولین و افراد تحت پوشش

وظایف کمیته امداد در راستای تکافل اجتماعی:

بر اساس ماده ۶ اساسنامه کمیته امداد، وظایف این کمیته عبارت است از:

۱- بررسی و شناخت انواع محرومیت‌های مادی و معنوی نیازمندان و تبیین و تامین نیازهای حمایتی، معیشتی، فرهنگی

و ارتقای سطح زندگی آنها در حد امکان و شناسایی افراد و خانواده‌های لازم‌الحمايه در شهر و روستا و عشایر

۲- بررسی و ارایه پیشنهاد خط مشی‌ها، سیاست‌های اجرایی، طرح‌ها، برنامه‌ها و روش‌های مناسب برای رفع محرومیت‌های نیازمندان در ابعاد مختلف به مراجع ذیربط و انجام اقدامات و پیگیری‌های لازم جهت تحقق آنها.

۳- فراهم آوردن امکانات لازم به منظور خود اتکاء نمودن افراد و خانواده‌های تحت پوشش و سایر نیازمندان از طریق ایجاد اشتغال، اعطای وام، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ارایه خدمات لازم در حد امکان.

۴- ایجاد تسهیلات لازم جهت ارایه خدمات بهداشتی و درمانی و اقدام به بیمه‌های درمانی و اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر در حد امکانات و چارچوب قوانین و مقررات مربوطه.

۵- پرداخت مستمری (کمک‌های نقدی و غیرنقدی، اعطای قرض الحسنه ضروری، کمک به تعمیر و تهیه مسکن، ازدواج و تجهیزیه نیازمندان.

۶- ارایه خدمات فرهنگی به افراد و خانواده‌های نیازمندان و انجام فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و تأمین وسایل آموزشی و کمک آموزشی لازم و تعمیق باورهای دینی.

۷- حمایت موردی از افراد و خانواده‌های نیازمند در برابر مشکلات ناشی از بروز حوادث و بالایای طبیعی و غیر طبیعی.

- ۸- ارایه خدمات مشاوره و مددکاری و حمایت‌های لازم حقوقی و قضایی به افراد و خانواده‌های نیازمند.
- ۹- حمایت نیازمندان خارج از کشور بر اساس سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، در حد امکانات.
- ۱۰- تمهیدات لازم به منظور احیای فرهنگ انفاق و ایثار، نشر سنت‌های حسنه اسلامی و هدایت امکانات و کمک‌های مردمی خصوصاً کمک‌های اشخاص خیر و نیکوکار و همچنین امکانات و کمک‌های بخش‌های دولتی و غیر دولتی جهت حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند.
- ۱۱- ارتباط با موسسات خیریه، انجمن‌ها و تشکل‌های عام المنفعه مردمی داخل و خارج از کشور به منظور تبادل تجربه و بهره‌گیری هرچه مطلوب‌تر از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آنها و پرهیز از انجام کارهای موازی و غیر ضرور در جهت انجام حمایت‌های مادی و معنوی و تقویت و گسترش اینگونه هسته‌های مردمی در حد توان.
- ۱۲- انجام هرگونه تکلیف قانونی پس از تخصیص اعتبار لازم.

همگرایی بانک قرض الحسنه و نهادهای حمایتی

از آنجا که بانکها و موسسات قرض الحسنه به صورت تخصصی به تامین مالی نیازمندان جامعه می‌پردازند و این خود از اقسام تکافل و مساعدات اجتماعی است و از سوی دیگر فعالیت‌های نهادهای حمایتی همچون سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی نیز در همین راستا است لذا در این قسمت به منظور همگرایی بانکها و موسسات قرض الحسنه و نهادهای حمایتی در حوزه تکافل اجتماعی تلاش شده است مدلی جهت تسهیل مسیر تکافل اجتماعی ارائه گردد.

بر اساس این مدل، حمایت‌های مردمی و کمک‌های دولتی و سایر جوهی که به حساب نهادهای حمایتی واریز می‌شود، در صندوقی به نام صندوق تکافل نزد بانک قرض الحسنه تجمع می‌شود. بانک قرض الحسنه نیز، وجوه را از مشتری دریافت و نهادهای حمایتی بانک را وکیل خود در بکارگیری این سپرده‌ها در سرمایه‌گذاری توسط بانک قرار می‌دهد و رابطه حقوقی بانک و مشتری (سپرده‌گذار) براساس عقد وکالت برقرار می‌شود. بانکها وجوه سپرده را به وکالت از طرف مشتری در معاملات و اعطای تسهیلات مالی بانکی سرمایه‌گذاری و بکار می‌گیرند و در نتیجه سود حاصل ناشی از انجام معامله پس از کسر کارمزد متعلق به صندوق سهامداران است. با توجه به مطالب فوق، در این سیستم بانک امین مشتری بوده و لازم است رعایت صرفه و صلاح موکلین خود را در اعطای تسهیلات و انجام معاملات و سرمایه‌گذاری بنمایند. در این سیستم منابع افراد خیر نزد بانک متمرکز می‌شود و دستور پرداخت توسط فرد یا نهاد خیر صادر می‌شود و بانک موظف به پرداخت به فرد لازم‌الحمايه است. از آنجا که ورود و خروج پول در راستای تکافل اجتماعی از طریق بانک قرض الحسنه و با نظارت نهادهای امین و حمایت‌کننده صورت می‌گیرد لذا کارایی و بهره‌وری نهادهای خیریه افزایش و فساد اداری به نحو قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

تکافل اجتماعی راستین

تکافل اجتماعی راستین زیرمجموعه بانکداری راستین و مشخصاً یکی از زیرسیستم‌های بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین می‌باشد در اینجا نیز تکافل اجتماعی شامل: تکافل عام به معنی وظیفه انسانی افراد جامعه در رفع نیازهای یکدیگر و ضمان اعاله به معنی وظیفه حکومت در تأمین معیشت افراد جامعه تعریف می‌شود.

در تکافل اجتماعی راستین سپرده‌گذاران خیر اعم از خصوصی و دولتی می‌توانند منابع خود را تحت مقررات

بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین برای امور خیریه یا عام المنفعه نزد بانک سپرده گذاری کنند تا بانک منافع یا اصل یا اصل و منافع سپرده گذاری را از طریق حواله نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی یا به تقاضای خود شخص خیر بطور بلاعوض در اختیار افراد ضعیف لازم‌الحمایه یا خانواده آنان قرار دهد. علاوه بر سپرده‌گذاران، کلیه اشخاص، نهادها، مراجع مذهبی، موسسات، مراکز دینی، دولت، موسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت، سازمان‌های غیردولتی (NGO)³¹ می‌توانند با تخصیص منابع در اختیار خود از قبیل یارانه‌های هدفمند، کفاره، زکات، خمس، انفاق، وقف، وصیت، اموال میت، دیه جنایت بر میت، غنایم، نذورات، قربانی، فدیة، خراج، ارث بلاوارث، جزیه، اموال مجهول المالک، انفال و رکاز، برّ و احسان، جریمه مالی محکومان، مصادره اموال غیرمشروع، قاچاق و ربا و سایر موارد مشابه در چارچوب مقررات و آیین‌نامه اجرایی بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین نسبت به تکافل عام یا ضمان اعاله اقدام کنند.

تجهیز کنندگان منابع می‌توانند از بانک درخواست نمایند تا اصل منابع تخصیصی آنها یا منافع آن به افراد، اشخاص یا گروه مورد نظر تجهیزکننده تخصیص یابد. بانک موظف است در این رابطه تمهیدات اجرا و پرداخت لازم را فراهم آورد. بانک موظف می‌شود تا گزارش سالیانه عملکرد منابع موضوع این ماده را به تجهیز کنندگان منابع ارائه نماید. و از طرفی بانک موظف است در صورت درخواست تجهیز کنندگان ریز اطلاعات پرداخت‌ها و دریافت کنندگان منابع را به تجهیز کنندگان منابع ارائه نماید. اطلاعات ارائه شده باید به گونه‌ای باشد که امکان بازرسی تک‌تک پرداخت‌ها برای تجهیز کنندگان فراهم باشد.

نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی می‌توانند دارای شخصیتی حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا مشترک باشند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مشورت با سازمان بهزیستی و سازمان اوقاف و امور خیریه آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی را در ارتباط با مفاد تکافل اجتماعی راستین را تدوین و به تصویب مراجع ذیصلاح می‌رساند. سازمان اوقاف و امور خیریه نیز آیین‌نامه تکمیلی وقف دارایی‌های مالی اعم از ملموس و غیرملموس موضوع تکافل اجتماعی راستین را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح می‌رساند. سازمان بهزیستی کشور موظف می‌گردد تا آیین‌نامه اجرایی رویه‌های شناسائی، پوشش حمایتی، پرداخت و نظارت بر پرداخت موارد مشمول تکافل عام و ضمان اعاله را با مشاوره با بانک مرکزی تدوین و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند.

اقشار ضعیف و محرومان مشمول تکافل عام و ضمان اعاله موضوع تکافل اجتماعی راستین که از عهده تأمین معاش اولیه خود و خانواده خود بر نمی‌آیند شامل افراد و خانواده‌های نیازمند، مسکین، تهیدست، مضطر، وامانده و درمانده، ورشکسته، مستمند، بیمار، نابینا، معلول یا فاقد عضو، مجنون، عقب افتاده ذهنی، بیمار روانی، سفیه، از پا افتاده، زمین گیر، سالمند، بی‌سرپرست، آواره، اسیر، زندانی، تبعیدی، در راه مانده، صغیر، یتیم، سیر، بچه سرراهی، کودک بی‌سرپرست (اعم از بی‌سرپرستی موقت یا مستمر)، سالخورده، مقروض، خسارت دیده، دچار سانحه یا حوادث قهریه شده، افراد مشمول دیه غیر عمد یا با ضارب ناشناخته یا ناتوان از پرداخت دیه، افراد واجب‌النفقه بدون نفقه و خانواده‌های بدون سرپرست یا با سرپرست زن (اعم از اینکه مطلقه شده یا متارکه کرده باشد یا شوهر یا نان‌آور فوت، مفقود، متواری، زندانی، تبعیدی، فراری، سرباز، مهجور، محجور یا یکی از مصادیق مذکور) و سایر موارد مشابه و همچنین کلیه افرادی که مشمول دریافت فطریه، زکات، کفارات و صدقات هستند می‌شود. تأمین حداقل‌ها به صورت پرداخت یکباره و

³¹ Non-Governmental Organization (NGO)

مستمر می‌تواند توسط بیمه‌های تکافل اجتماعی راستین به شرح ذیل صورت پذیرد:

- ۱- بیمه مالی: تأمین منابع مالی برای نیازمندان که شامل ورشکستگان نیز می‌شود.
 - ۲- بیمه مسکن: هیچ فردی نباید بی سرپناه باشد و بیمه مسکن موظف به تأمین حداقل سرپناه برای عموم افراد جامعه است. استعانت در تعمیر مسکن در این بیمه می‌گنجد.
 - ۳- بیمه ازدواج: ایجاد شرایط مناسب برای ازدواج و ارائه تمهیدات و رفع موانع ازدواج افراد جامعه.
 - ۴- بیمه شغل: هر کس حق دارد شغل داشته باشد و بیمه شغل مبادرت به بکارگماردن افراد می‌کند. برخلاف بیمه یکاری که اقدام به پرداخت مالی می‌نماید، بیمه شغل فرد را شاغل می‌کند.
 - ۵- بیمه آموزش: هر کس که بخواهد تا هر درجه از آموزش، تعلیم و تربیت پیشرفت کند، بایست مربی و امکانات مناسب در اختیار وی قرار گیرد.
 - ۶- بیمه درمان: کلیه آحاد جامعه هنگام بیماری بیمه درمان هستند و تأمین شرایط بهداشتی برای آنان از وظایف این بیمه است.
 - ۷- بیمه پرستاری: کلیه افراد ناتوان در این بیمه مشمول دریافت مراقبت و پرستاری هستند.
 - ۸- بیمه سوانح: هر فردی در قبال بروز هر حادثه‌ای اعم از طبیعی و یا غیرطبیعی محق دریافت حمایت‌های خاص بیمه سوانح است.
 - ۹- بیمه خوراک: بیمه خوراک چتر غذایی افراد جامعه است بطوری که هیچ فردی گرسنه نماند. براساس این بیمه باید حداقل خوراک برای افراد به سهولت قابل حصول باشد.
 - ۱۰- بیمه دفاع از حق: هرگاه حق فردی تضییع یا انکار شود حق دارد به منظور اعتراض، تظلم و دفاع تحت پوشش بیمه دادستان و ضابطین قضائی قرار گیرند.
 - ۱۱- بیمه و کالت: استعانت به هر فرد در احقاق حقش از وظایف این بیمه است.
 - ۱۲- بیمه ایتم: تأمین شرایط زیستی ایتم و صغار بدون سرپرست و حمایت از حقوق آنها وظیفه این بیمه است.
 - ۱۳- بیمه بازنشستگی و از کارافتادگی: افرادی که به دلیل کهولت سن یا نقص عضو یا بیماری دائماً یا موقتاً توانایی کار و ادامه اشتغال ندارند، بیمه هستند.
 - ۱۴- بیمه سرپرستی: سرپرستی کلیه افراد بی‌سرپرست، سالخوردگان، بیوگان، محجورین، سفهاء و امثال آن در تحت پوشش این بیمه است.
 - ۱۵- بیمه کارگشایی: گشودن گره از کار ناتوانان در کلیه امور اجتماعی به عهده این بیمه می‌باشد.
 - ۱۶- بیمه فرهنگی: استعانت و یاری به افراد ناتوان در حفظ آداب و سنن پسندیده خود به عهده این بیمه می‌باشد.
 - ۱۷- بیمه پوشاک: برهنگی بر هیچ فرد روا نیست و تأمین حداقل پوشاک هر فرد بر عهده این بیمه است.
- نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی نمی‌توانند نسبت به دریافت منافع یا اصل یا اصل و منافع سپرده‌گذاری رأساً اقدام کنند و موظفند از طریق صدور برات یا حواله و ارسال آن به بانک ترتیبات لازم برای پرداخت وجه به افراد لازم‌الحمایه یا خانواده‌های آنان را فراهم کند. از طرفی بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی هرکدام بطور مجزا موظفند پرداخت‌های حمایتی را به نحوی که آسیبی به حیثیت حمایت‌شوندگان وارد نیاید در وب‌سایت خود افشا کنند. همچنین بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی که از زیرسیستم تکافل اجتماعی راستین استفاده می‌نمایند موظف

می‌گردند تا هر کدام بطور مجزا گزارش تفصیلی عملکرد سالیانه خود را به ریاست جمهور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بازرسی کل کشور، شورای عالی راهبردی سازمان بهزیستی کشور و شورای عالی اوقاف ارائه نمایند. از سوی دیگر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بازرسی کل کشور هر کدام جداگانه موظف می‌شوند تا با ایجاد تمهیدات مناسب نحوه عملکرد بانک و نهادهای خیریه و سازمان‌های حمایتی را بررسی و به ریاست جمهور گزارش و در صورت مشاهده تخلف اقدام قانونی کنند. بانک در ارتباط با ارائه این خدمت فقط می‌تواند هزینه ارزیابی و نظارت دریافت نماید و مجاز به دریافت سود نمی‌باشد.

منابع

- فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ابراهیمی، محمد حسن (۱۳۷۵) بیمه و تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام، سازمان تأمین اجتماعی، انتشارات کویر.
- حر عاملی، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۳ قمری.
- صدر، محمد باقر () اقتصاد برتر، ترجمه علی اکبر سیبویه، بخش کتاب‌های مذهبی، نشر میثم، تهران.
- کلینی ()، اصول کافی.
- قربانی، زین العابدین () حق ضمان و بیمه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اندیشه اسلامی، تهران.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۰۹ هـ. ق.)، الحلال و الحرام فی الاسلام، تعلیق حسن محمد تقی الجواهری، سازمان تبلیغات اسلامی.
- بیدآباد، بیژن، تحلیل فقهی - اقتصادی انواع بیمه و ویژگی‌های شیوه حکومت اسلامی. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، تهران. <http://www.bidabad.com/doc/bimeh.pdf>
- بیدآباد، بیژن، تحلیل فقهی - اقتصادی بیمه اجباری، ۱۳۸۹. <http://www.bidabad.com/doc/bimeh-ejbari.pdf>
- بیدآباد، بیژن، تحلیل فقهی - اقتصادی بیمه‌های تأمینی، ۱۳۸۹. <http://www.bidabad.com/doc/bimeh-tamini.pdf>
- پناهی، بهرام (۱۳۷۶). اصول و مبانی تأمین اجتماعی، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- علوان، ناصح (۱۴۰۹). التكافل الاجتماعی فی الاسلام، انتشارات دارالسلام.
- محمدجواد زاهدی اصل (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- السباعی، مصطفی (۱۴۱۹)، التكافل الاجتماعی فی الاسلام، بیروت، المكتبة الاسلامی.
- Khan, Mohammad (2008, Takaful: Growth opportunities in a dynamic market., Price water house Coopers.